

Intelligence Governance Through Intelligence Awareness, Intelligence Foresight, and Intelligence Dominance

Abolfazl Pourmanafi¹
Iraj Faraji²

Article Type: Research Article

Received: 02/10/2025

Accepted: 06/12/2025

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.10/NO.4 (serial 38)/Winter 2026*67-102



DOI: 10.22034/ssj.2025.1282508.1745

Abstract

Background and aim: In today's complex and dynamic security environment, the effectiveness of governance systems depends more than ever on their capacity to produce, analyze, and intelligently exploit information. In this context, intelligence governance—as a macro-level mechanism—plays a pivotal role in preventing strategic surprise, enabling strategic decision-making, and managing uncertainty. The purpose of this study is to identify and explain the mechanisms of intelligence governance with a focus on the cyclical linkage among intelligence awareness, intelligence foresight, and intelligence dominance.

Method: This study is applied–developmental in purpose and qualitative in methodology, based on grounded theory. Data were collected through semi-structured interviews with nine senior experts in intelligence, security, and strategic domains, and were analyzed through three stages of open, axial, and selective coding. Theoretical saturation served as the criterion for terminating sampling. Research validity was confirmed through data triangulation, participant review, and external auditing, while reliability was ensured through expert review of the coding process.

Results: The findings indicate that intelligence governance is a cyclical and multi-layered process in which intelligence awareness provides the foundation for monitoring and understanding the environment, information foresight enables scenario-building and uncertainty management, and intelligence dominance creates the capacity to exercise cognitive and operational power. Institutional coherence, intelligence accountability, and an organizational intelligence community—as supporting mechanisms—play a decisive role in sustaining this cycle.

Conclusion: The final model of the study presents an integrated and systematic framework for anticipatory intelligence governance, which can enhance intelligent decision-making, strategic preemption, and institutional resilience in security and law enforcement systems. This framework is adaptable for transformation into executive policies, training programs, and performance evaluation indicators.

Keywords: intelligence Governance, Intelligence Awareness, Foresight, Intelligence Dominance, Grounded Theory, Intelligence Knowledge Management.

1- Associate Professor of Strategic Management, Department of Strategic Management and Futures Studies, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding Author). a.pourmanafi@gmail.com

2- Assistant Professor of Strategic Management, Department of Strategic Management and Futures Studies, Amin Police Comprehensive University, Tehran, Iran. Irajf54@chmail.ir

حکمرانی اطلاعاتی از مسیر اشراف اطلاعاتی، آینده‌نگاری و تسلط اطلاعاتی

ابوالفضل پورمنافی^۱

ایرج فرجی^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال دهم/ شماره ۴ (پیاپی ۳۸) - زمستان ۱۴۰۴* ۱۰۲-۶۷



DOI: 10.22034/ssj.2025.1282508.1745

چکیده

زمینه و هدف: در فضای پیچیده و پویای امنیتی معاصر، کارآمدی نظام‌های حکمرانی بیش از هر زمان دیگری به ظرفیت آن‌ها در تولید، تحلیل و بهره‌برداری هوشمندانه از اطلاعات وابسته است. در این میان، حکمرانی اطلاعاتی -به‌مثابه سازوکاری کلان- نقش محوری در پیشگیری از غافلگیری، تصمیم‌سازی راهبردی و مدیریت عدم قطعیت ایفا می‌کند. هدف از این پژوهش شناسایی و تبیین سازوکارهای حکمرانی اطلاعاتی با تمرکز بر پیوند چرخه‌ای اشراف اطلاعاتی، آینده‌نگاری اطلاعاتی و تسلط اطلاعاتی است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای و از نظر روش‌شناسی کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با نه نفر از خبرگان ارشد حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی و راهبردی گردآوری شد و تحلیل آن‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. اشباع نظری مبنای توقف نمونه‌گیری قرار گرفت. روایی پژوهش با بهره‌گیری از مثلث‌سنجی داده‌ها، بازبینی مشارکتی و ممیزی خارجی و پایایی آن از طریق بازبینی کدگذاری‌ها توسط خبرگان مستقل تأیید شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد حکمرانی اطلاعاتی فرایندی چرخه‌ای و چندلایه است که در آن، اشراف اطلاعاتی بستر رصد و فهم محیط، آینده‌نگاری اطلاعاتی امکان سناریوپردازی و مدیریت عدم قطعیت و تسلط اطلاعاتی ظرفیت اعمال قدرت شناختی و عملیاتی را فراهم می‌سازد. انسجام نهادی، مسئول‌سازی اطلاعاتی و جامعه اطلاعاتی سازمانی -به‌مثابه سازوکارهای پشتیبان- نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری این چرخه دارند.

نتیجه‌گیری: مدل نهایی پژوهش چارچوبی تلفیقی و نظام‌مند برای حکمرانی اطلاعاتی پیش‌نگر ارائه می‌کند که می‌تواند تصمیم‌گیری هوشمند، پیش‌دستی راهبردی و تاب‌آوری نهادی را در نظام‌های امنیتی و انتظامی تقویت کند. این چارچوب قابلیت تبدیل به سیاست‌های اجرایی، برنامه‌های آموزشی و شاخص‌های ارزیابی عملکرد را دارد. **واژگان کلیدی:** حکمرانی اطلاعاتی، اشراف اطلاعاتی، آینده‌نگاری، تسلط اطلاعاتی، نظریه داده‌بنیاد، مدیریت دانش اطلاعاتی.

۱- دانشیار مدیریت راهبردی، گروه مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
a.pourmanafi@gmail.com

۲- استادیار مدیریت راهبردی، گروه مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران. Irajf54@chmail.ir

مقدمه

حکمرانی به‌مثابه یکی از بنیادین‌ترین مفاهیم در حوزه اندیشه سیاسی و نظریه‌های اداره جامعه طی دهه‌های اخیر با دگرگونی‌های اساسی در معنا، ساختار و کارکرد مواجه شده است. این مفهوم که ریشه‌هایی در اندیشه‌های سنتی از جمله جمهور افلاطون، نظریه قرارداد اجتماعی «هابز» و «روسو» و تحلیل اقتدار نزد «وبر» دارد، امروزه به‌مراتب فراتر از مدل سنتی «حکومت‌داری» رفته و به شبکه‌ای از تعاملات میان دولت، نهادهای عمومی، بخش خصوصی، جامعه مدنی و حتی بازیگران فراملی تبدیل شده است. در این چارچوب، حکمرانی نه صرفاً به معنای اعمال قدرت، بلکه به‌مثابه سازوکار تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، تخصیص منابع، پاسخ‌گویی، شفافیت و کارآمدی در حل مسائل عمومی معنا می‌یابد (فرازمند و مهدی‌زاده، ۱۴۰۱).

مفهوم حکمرانی -همان‌گونه که سازمان‌های بین‌المللی از جمله برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ و بانک جهانی بر آن تأکید دارند- دربرگیرنده شاخص‌هایی چون حاکمیت قانون، شایسته‌سالاری، پاسخ‌گویی، شفافیت، اثربخشی، اجماع‌محوری و نگاه راهبردی است. این شاخص‌ها هم‌ناظر بر شیوه اداره کشورهاست و هم نمایانگر چگونگی تعامل حکومت‌ها با آینده، تهدیدات نوظهور و پیچیدگی‌های محیطی است. در جهان امروز، حکمرانی مؤثر دیگر صرفاً در گرو ظرفیت‌های قانونی یا نهادی نیست؛ بلکه تابعی از توانایی در «پیش‌بینی»، «تحلیل»، «واکنش سریع و هدفمند» و حتی «پیش‌سازی» به تحولات در سطوح مختلف اجتماعی، فناورانه و امنیتی است.

یکی از ابعاد حیاتی حکمرانی نوین «حکمرانی امنیت» است که در دهه‌های اخیر از موضوعات صرفاً نظامی فراتر رفته و شامل حوزه‌های متنوعی مانند امنیت اقتصادی، زیست‌محیطی، سایبری، غذایی و انسانی شده است. در چنین بستری، امنیت مفهومی چندوجهی، پیوسته و به‌شدت وابسته به اطلاعات و تحلیل‌های راهبردی است. از این‌رو، حکمرانی امنیتی کارآمد مستلزم توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی، یکپارچه‌سازی منابع داده و بهره‌گیری از روش‌های نوین آینده‌پژوهی است (دوپونت^۲، ۲۰۲۱).

با توسعه روزافزون فضای دیجیتال، افزایش چالش‌های ترکیبی^۱، پیچیدگی محیط‌های عملیاتی و شکل‌گیری بازیگران جدیدی چون شرکت‌های فناوری یا گروه‌های فراملی، حکمرانی امنیتی نیازمند تحولی بنیادین در ابزارها، رویکردها و سازوکارهای خود است. در این میان، «اشراف اطلاعاتی»، «آینده‌نگاری راهبردی» و «تسلط اطلاعاتی» -به‌مثابه سه مؤلفه کلیدی و به‌هم‌پیوسته- نقشی محوری در ارتقای ظرفیت حکمرانی ایفا می‌کند.

اشراف اطلاعاتی به معنای توانایی در رصد مستمر، گردآوری، پردازش و تحلیل داده‌های محیطی به‌منظور کشف الگوها و روندهای پنهان و پیداست. این اشراف زیربنای تصمیم‌سازی‌های مبتنی بر شواهد و تبیین دقیق تهدیدات بالقوه است. در گام بعد، آینده‌نگاری -به‌مثابه دانشی میان‌رشته‌ای- امکان ترسیم سناریوهای محتمل، مطلوب و ممکن را فراهم می‌آورد؛ امری که برای دستیابی به انسجام اجتماعی، انسجام راهبردی در سطح حکومت و شکل‌دهی به مسیرهای تصمیم‌سازی ضروری است. در نهایت، تسلط اطلاعاتی به توانایی جهت‌دهی به جریان داده‌ها، اعمال کنترل شناختی و خلق مزیت رقابتی در میدان رقابت اطلاعاتی اشاره دارد. این تسلط -نه فقط در محیط امنیتی بلکه- در عرصه‌های اقتصادی، فناورانه و دیپلماتیک نیز اثرگذار است (پورمنافی، ۱۴۰۳، ص ۱۸).

از منظر نظری، حکمرانی اطلاعاتی را می‌توان صورت‌بندی نوینی از حکمرانی دانست که در آن «اطلاعات» نه ابزار که موضوع و میدان اصلی کنش حاکمیتی تلقی می‌شود. در چنین مدلی، کارآمدی نظام سیاسی در گرو توانایی آن برای مدیریت داده‌ها، تحلیل هوشمند، بهره‌برداری اثربخش از منابع اطلاعاتی و هدایت جامعه در مسیر اهداف توسعه‌ای و امنیتی خواهد بود. این تحول نیازمند تغییر پارادایم در فهم ساختارهای حکمرانی سنتی، بازتعریف نقش نهادهای اطلاعاتی و ارتقای سواد راهبردی تصمیم‌گیران است.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به شرایط خاص منطقه‌ای، مواجهه با تهدیدات پیچیده امنیتی، رشد سریع فناوری‌های نوین و ضرورت افزایش تاب‌آوری حکمرانی، ناگزیر از بازطراحی سازوکارهای حکمرانی اطلاعاتی است. اگرچه تاکنون

پژوهش‌هایی در زمینه حکمرانی امنیتی یا اطلاعات راهبردی صورت گرفته، ابعاد نظری، ساختاری و عملیاتی حکمرانی اطلاعاتی در سطح کلان به‌طور منسجم بررسی نشده است.

از همین رو، مسئله محوری این پژوهش این است که: «حکمرانی اطلاعاتی از مسیر اشراف اطلاعاتی، آینده‌نگاری و تسلط اطلاعاتی چگونه است؟».

پیشینه و مبانی نظری

- عباسی و علیزاده (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه اشراف اطلاعاتی نوین: چشم بصیر»، با استفاده از روش تحقیق تحلیل داده‌بنیاد و با هدف تبیین مفهوم اشراف اطلاعاتی به‌مثابه زمینه‌ساز هشداردهی پیش‌زمان، اشراف اطلاعاتی را مأخذی برای برتری اطلاعاتی و عاملی مؤثر در تحقق هشداردهی پیش‌دستانه معرفی کرده‌اند.
- میرمظاهری (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «کشف ویژگی‌ها و ابعاد حکمرانی پیش‌نگر»، با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی و تحلیل اسناد و با هدف ارائه چارچوبی جامع برای حکمرانی اطلاعاتی پیش‌نگر در نظام امنیتی ایران، به این نتیجه رسیده است که حکمرانی پیش‌نگر شیوه‌ای از تصمیم‌گیری است که افق تغییراتی را بررسی می‌کند که نیاز به انطباق در برنامه‌ها و رفتارها دارد.
- یآوری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تأثیر رویکرد پلیس اطلاعات محور در شناسایی و کشف قاچاق سلاح و مهمات»، با هدف بررسی نقش تسلط اطلاعاتی در افزایش اثربخشی عملیات کشف جرایم سازمان‌یافته، از روش پژوهش توصیفی-کاربردی و تحلیل داده‌های میدانی استفاده کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار میان تحلیل اطلاعات جنایی و موفقیت در شناسایی و کشف شبکه‌های قاچاق سلاح و مهمات است. نتایج پژوهش اهمیت توسعه زیرساخت‌های داده‌ای و ارتقای مهارت تحلیل‌گران اطلاعاتی را نشان داد.
- قاضی‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی خلأهای حکمرانی نظام اطلاعاتی ایران»، با بهره‌گیری از روش تحقیق موردکاوی و تحلیل اسناد رسمی و با هدف شناسایی نقایص ساختاری و سازمانی حکمرانی اطلاعاتی، مجموعه‌ای از خلأها را به‌مثابه شکاف‌های اساسی شناسایی کرده است. از جمله این خلأها می‌توان به تفاسیر کهنه از بازیگری اطلاعاتی، فقدان ابزارهای تخصصی صیانت اطلاعات و

ضعف‌های جدی در سازوکارهای حکمرانی اشاره کرد. یافته‌های این پژوهش بر ضرورت بازنگری در هدف‌گذاری‌ها و ظهور کارگزاران جدید اطلاعاتی در ساختار امنیتی کشور تأکید دارد.

- ایجابی و همکاران (۱۳۹۸) در پروژه‌ای با عنوان «آینده‌نگاری راهبردی فناوری‌های دفاعی با چشم‌انداز ۱۴۲۰» با روش مدل‌سازی سناریویی و تحلیل اسناد، الگوهای برای تصمیم‌گیری راهبردی با چشم‌انداز ۱۴۲۰ ارائه و تأکید کردند که آینده‌نگاری ابزار مؤثری برای نوآوری سازمانی و ارتقای راهبردی فناوری‌های دفاعی است.
- پورمنافی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد شبکه‌ای در ناجا برای مدیریت اشراف اطلاعاتی»، با استفاده از روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل اسنادی و مصاحبه‌های ساختاریافته و با هدف تحلیل ارکان و مؤلفه‌های اشراف اطلاعاتی در نیروی انتظامی، به این نتیجه رسیده است که شناسایی ارکان، عناصر، پیش‌فرض‌ها و مؤلفه‌های اشراف اطلاعاتی هسته اصلی تصمیم‌سازی راهبردی و مدیریت غافلگیری در نهادهای انتظامی محسوب می‌شود. وی در تحلیل‌های خود، این الگو را با رویکردهای متعارف مقایسه کرده و با اولویت‌بندی مؤلفه‌ها، چارچوبی نظری منسجم و کاربردی برای مدیریت اشراف اطلاعاتی ارائه کرده است.
- مرلو^۱ (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی راهبردی اطلاعات: بهینه‌سازی هوشمندی سازمانی» با روش تحقیق تحلیل مفهومی و ترکیب پژوهش‌ها موردی نتیجه گرفته است که حکمرانی اطلاعات راهبردی به بهینه‌سازی هوش سازمانی و عملیات و تصمیم‌گیری سازمان کمک می‌کند و تسهیلگر تصمیم‌گیری و تحلیل‌های راهبردی است.
- هارهاوس و لینینگ^۲ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «ایجاد قابلیت‌های پویا برای مقابله با عدم قطعیت محیطی: نقش آینده‌نگاری راهبردی، پیش‌بینی فناوری و تغییر اجتماعی» با هدف شناسایی تهدیدات و فرصت‌های محیطی، بهبود خط‌مشی‌ها، شکل‌دهی به راهبردهای سازمانی و کشف بازارهای جدید برای محصولات و خدمات انجام داده‌اند. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه با خبرگان حاضر در فعالیت‌های آینده‌نگاری راهبردی شرکت‌های آلمانی گردآوری شد. در این پژوهش، پنج شاخص

1- Merlo

2- Haarhaus, T., & Liening, A.

به‌مثابه ابعاد بنیادین آینده‌نگاری راهبردی شناسایی شد: بررسی محیطی، برنامه‌ریزی سناریو، خلق دانش از طریق خبرگان، فرهنگ سازمانی و ساختار رسمی سازمان. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آینده‌نگاری راهبردی قابلیت‌های پویای سازمانی را افزایش می‌دهد و سازمان‌ها را برای مقاومت و سازگاری در محیط‌های متلاطم و در حال تغییر امروزی توانمند می‌سازد. همچنین، این رویکرد می‌تواند به ایجاد چشم‌اندازی روشن‌تر از چالش‌ها و فرصت‌های آتی کمک کند که ناشی از عدم اطمینان و پیچیدگی فزاینده محیطی است.

– گوده^۱ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی هم‌افزایی آینده‌نگاری راهبردی و سناریونویسی در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی» که با روش تحلیل مقایسه‌ای انجام داده، این نتیجه را به‌دست آورده است که مشارکت همه‌جانبه ذی‌نفعان و سطوح مختلف سازمانی در فرایند تولید سناریوها دقت و اثربخشی سازمان را در مواجهه با عدم قطعیت‌های راهبردی افزایش می‌دهد. این رویکرد مشارکتی پاسخی سازگار و کارآمد به پیچیدگی‌های فزاینده محیطی ارائه می‌کند. به‌طور خاص، مشارکت فعال تمام سطوح سازمان در مرحله شکل‌گیری و تدوین سناریوها به‌طور مستقیم موجب افزایش دقت در شناسایی، درک و مدیریت عدم قطعیت‌های راهبردی می‌گردد.

– اسمولود^۲ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «حکمرانی راهبردی اطلاعات در سازمان‌های پیشرو» با استفاده از روش پژوهش‌ها موردی در سازمان‌های بهداشتی و تحلیل داده‌های ثانویه انجام داده است. این پژوهش، با تأکید بر بهره‌گیری از اطلاعات به‌مثابه دارایی راهبردی، حکمرانی اطلاعات را یکی از ویژگی‌های متمایز سازمان‌های پیشرو معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که این رویکرد نقش مؤثری در بهبود عملکرد سازمان‌های بهداشتی و کاهش خطرپذیری‌ها دارد. همچنین، مقاله با تمرکز بر بهره‌برداری نظام‌مند از داده‌های راهبردی، راهکارهای عملی برای استفاده از داده‌ها به‌مثابه دارایی راهبردی ارائه می‌کند.

1- Goude

2- Smallwood

- دانیلا^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تسلط اطلاعاتی و کارآمدی مدیریت بحران» که با روش تحقیق پژوهش میدانی (تحلیل کمی) با هدف بررسی ارتباط بین تسلط اطلاعاتی و کارآمدی مواجهه با بحران‌ها انجام شده، نتیجه گرفته است که تسلط اطلاعاتی به طور معناداری سرعت پاسخ‌دهی و عملکرد مدیریتی را بهبود می‌بخشد. نتایج پژوهش حاضر با بسیاری از یافته‌های پیشین هم‌راستا است؛ به گونه‌ای که اغلب پژوهش‌های پیشین بر نقش اطلاعات در ایجاد برتری تصمیم‌گیری، کاهش غافلگیری و ارتقای کارآمدی مدیریتی تأکید داشته‌اند. پژوهش‌هایی مانند عباسی و عزیززاده (۱۴۰۳)، پورمنافی (۱۳۹۵) و دانیلا (۲۰۱۶) نیز همانند تحقیق حاضر اشراف و تسلط اطلاعاتی را محور برتری راهبردی و تصمیم‌سازی مؤثر دانسته‌اند. همچنین، یافته‌های این تحقیق در بخش آینده‌نگاری با نتایج تحقیقات میرمظاهری (۱۴۰۳)، ایجابی و همکارانش (۱۳۹۸) و هارهاوس و لینینگ (۲۰۲۰) هم‌سو است که آینده‌نگاری را ابزاری برای کاهش عدم قطعیت و افزایش تاب‌آوری سازمانی معرفی کرده‌اند. از سوی دیگر، تأکید مقاله حاضر بر حکمرانی اطلاعاتی به مثابه سازوکار کلان انسجام و هماهنگی داده‌ها، با یافته‌های قاضی‌زاده (۱۴۰۰)، مرلو (۲۰۲۴) و اسمولود (۲۰۱۸) هم‌خوانی دارد که حکمرانی اطلاعاتی را عامل بهینه‌سازی تصمیم‌گیری و ارتقای بهره‌وری سازمانی می‌دانند. با این حال، افتراق اساسی پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین در سطح ترکیب یافته‌های مفهومی و کاربردی است. تحقیقات قبلی هر یک صرفاً بر یکی از ابعاد اشراف اطلاعاتی، آینده‌نگاری یا تسلط اطلاعاتی تمرکز داشته و فاقد چارچوبی تلفیقی و چرخه‌محور بوده است که این مؤلفه‌ها را در قالب یک نظام حکمرانی اطلاعاتی به هم پیوند دهد. همچنین، پژوهش حاضر با اتکای مستقیم به تجربه و دانش خبرگان اطلاعاتی، توانسته است سازوکار اجرایی و عملیاتی تحقق حکمرانی اطلاعاتی را در بستر امنیتی کشور تبیین کند؛ در حالی که اغلب تحقیقات گذشته در سطح مفهومی یا توصیفی باقی مانده‌اند. بنابراین، شکاف تحقیقاتی اصلی میان پژوهش حاضر و پیشینه‌ها در آن است که تحقیقات پیشین هر یک صرفاً به یکی از مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی اطلاعاتی پرداخته‌اند؛ اما این پژوهش برای نخستین بار مدلی تلفیقی، نظام‌مند و عملیاتی از حکمرانی اطلاعاتی بر پایه چرخه اشراف، آینده‌نگاری و تسلط اطلاعاتی ارائه

می‌کند که می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌سازی هوشمند، پیش‌دستی در برابر تهدیدها و انسجام داده‌های ملی باشد.

در نظام‌های پیچیده امنیتی و حکمرانی نوین، نقش «اطلاعات» صرفاً به‌مثابه داده و محتوای خام قابل‌استفاده تحلیل نمی‌شود؛ بلکه آنچه اهمیت بنیادین می‌یابد مفهوم راهبردی و فرایندی «اطلاعات» است. در این معنا، به‌مثابه محصولی حاصل از تحلیل، تلفیق، پیش‌بینی و تفسیر هدفمند از داده‌ها - نه صرف داده یا آگاهی - برای خلق شناخت قابل‌اعتماد در فرایند تصمیم‌سازی تلقی می‌شود.

در ادبیات تخصصی، تمایز روش‌شناختی و فلسفی میان اطلاعات عمومی^۱ و «اطلاعات تخصصی = هوش^۲» بسیار تعیین‌کننده است. «اطلاعات عمومی» داده‌ای است که هنوز تحلیل، پالایش یا تلفیق نشده است؛ درحالی‌که «اطلاعات تخصصی = هوش» حاصل فرایندهایی چون گردآوری هدفمند، تحلیل چندلایه، پردازش بافت‌مند و استنتاج راهبردی در پاسخ به نیازهای خاص سیاست‌گذاران یا فرماندهان امنیتی است (لونتال^۳، ۲۰۲۰). «اطلاعات تخصصی = هوش» به‌مثابه ساختاری شناختی و کنشی، پیوسته با چهار مؤلفه درهم‌تنیده شکل می‌گیرد: الف) نیاز اطلاعاتی^۴، ب) فرایند تولید اطلاعات^۵، ج) تحلیل، تلفیق و آینده‌سازی اطلاعات^۶ و د) عملیاتی‌سازی و بازخورد^۷. این مؤلفه‌ها، در تعامل با یکدیگر، امکان خلق شناخت امنیتی، ایجاد تسلط اطلاعاتی و پیش‌دستی راهبردی را در نظام‌های حکمرانی فراهم می‌سازد.

اشراف اطلاعاتی: اشراف اطلاعاتی به معنای ظرفیت نظام اطلاعاتی برای رصد همه‌جانبه محیط، گردآوری چندمنبعی داده‌ها و تبدیل آن‌ها به تصویری کل‌نگر از وضعیت موجود و شکل‌دهی به معنا از دل داده‌های چندمنبعی و چندرشته‌ای اطلاق می‌شود. این مفهوم فراتر از «درک موقعیتی» صرف است و شامل کشف روندها، تحلیل تطبیقی و تفسیر بافتاری تهدیدات و فرصت‌ها می‌شود (دونگ و همکاران^۸، ۲۰۲۵).

1- Information

2- Intelligence

3- Lowenthal

4- Intelligence Requirement

5- Intelligence Cycle

6- Fusion & Foresight

7- Actionability & Feedback

8- Dong, J., Chen, Z., Wang, H., & Li

اشراف اطلاعاتی، به مثابه قابلیت پایه، شرط لازم برای جلوگیری از غافلگیری و ایجاد درک مشترک در سطوح تصمیم‌گیری است.

- کارکرد آن: صیانت از انسجام ساختاری و اخلاقی چرخه‌های اطلاعاتی، پیشگیری از انحرافات اطلاعاتی، ارتقای مشروعیت، پاسخ‌گویی و کنترل.

- ویژگی‌های آن: ساختارهای نظارتی چندلایه، ارزیابی مخاطرات، کنترل‌های نهادی، استانداردسازی عملکرد اطلاعاتی. اشراف اطلاعاتی به مثابه قابلیت راهبردی، نقش تعیین‌کننده‌ای در خنثی‌سازی غافلگیری‌ها، ایجاد پیش‌دستی اطلاعاتی و تسلط بر میدان شناختی ایفا می‌کند.

آینده‌نگاری اطلاعات^۱: آینده‌نگاری اطلاعاتی شاخه‌ای از آینده‌پژوهی امنیتی است که با رویکرد مبتنی بر داده‌های اطلاعاتی، به طراحی سناریوها، تحلیل عدم قطعیت‌ها، کشف روندهای نوپدید و پیشنهاد گزینه‌های سیاستی برای مواجهه با آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب می‌پردازد. این مفهوم، با کاهش عدم قطعیت‌ها و تقویت قدرت پیش‌بینی، تصمیم‌گیران را قادر می‌سازد تا -به جای واکنش منفعلانه- رویکردی پیش‌دستانه در قبال تهدیدات و تحولات نوپدید اتخاذ کنند (ساکسن و مک‌ناوت، ۲۰۲۳).

آینده‌نگاری اطلاعاتی، به‌طور خاص در محیط‌های نااطمینان امنیتی، ابزاری برای سازگاری تطبیقی نظام‌های حکمرانی و افزایش مقاومت شناختی نهادهای تصمیم‌گیر است. کارکرد آن توانایی شناسایی روندهای پنهان، سناریونویسی، خلق هشدارهای راهبردی، طراحی اقدامات پیش‌دستانه و از ویژگی‌های آن، بهره‌گیری از تحلیل‌های پیش‌نگر، مدل‌سازی رفتاری بازیگران، استفاده از هوش مصنوعی و تفکر نظام‌مند است.

تسلط اطلاعاتی^۲: در ادبیات امنیتی و انتظامی، «تسلط اطلاعاتی» ظرفیتی در سازمان‌های اطلاعاتی تعریف می‌شود که شامل جمع‌آوری هدفمند اطلاعات، تحلیل تخصصی^۴ و تزریق نتایج تحلیلی به فرایندهای تصمیم‌گیری راهبردی و عملیاتی است. تجربه‌های ملی نشان می‌دهد پیاده‌سازی رویکردهای اطلاعات‌محور در پلیس^۵ موجب

1- Intelligence Foresight

2- Saksen, B. G. M., & McNaught, K. R.

3- Intelligence Dominance

4- Intelligence analysis

5- Intelligence-Led Policing

اولویت‌بندی مبتنی بر تهدید، بهبود شناسایی و افزایش اثربخشی در کشف جرایم پیچیده (مثلاً قاچاق اسلحه یا جرایم سازمان‌یافته) می‌شود. پژوهش‌های موردی ایرانی نیز بر ضرورت هماهنگی بانک‌های اطلاعاتی، توانمندسازی تحلیل‌گران و توسعه فرایندهای اختصاصی اطلاعاتی برای موفقیت این رویکرد تأیید کرده‌اند. تسلط اطلاعاتی به معنای بهره‌برداری ساخت‌یافته از اطلاعات برای ایجاد مزیت شناختی و تأثیرگذاری بر ادراک و تصمیم‌سازی رقباست. با این حال، توسعه تسلط اطلاعاتی در سازمان‌های اطلاعاتی با چالش‌هایی از جمله نیاز به حکمرانی داده، آموزش تحلیلی متخصصان و مدیریت مخاطرات حقوقی (حریم خصوصی و سوگیری تحلیلی) همراه است. از این رو هر روند تقویتی باید در قالب سازوکارهای شفاف حکمرانی و پاسخگویی طراحی گردد (یاوری و همکاران، ۱۳۹۹). برخلاف اشراف اطلاعاتی که بر گردآوری و فهم عمیق محیط تأکید دارد، تسلط اطلاعاتی معطوف به کنترل میدان شناختی است؛ به عبارت دیگر، هدف آن نفوذ در چرخه‌های تحلیلی رقیب، ایجاد اختلال در مدل‌های ذهنی وی و در نهایت، جهت‌دهی به رفتار و تصمیم‌گیری‌های او است (دپه، سی. و شال، ج. سی^۱، ۲۰۲۴). این مفهوم -برخلاف تصور رایج- صرفاً ناظر بر دسترسی به داده یا برتری فناورانه نیست؛ بلکه محصول قدرت ترکیب داده با تحلیل انسانی، شناخت ذهن دشمن، تولید محتوای تأثیرگذار و بهره‌برداری از زمان و مکان در صحنه نبرد اطلاعاتی است (رادولسکو^۲، ۲۰۲۳). به بیان دیگر، اشراف اطلاعاتی شرط دستیابی به شناخت کامل است؛ درحالی‌که تسلط اطلاعاتی مرحله بالاتری است که از آن شناخت برای اعمال قدرت ادراکی و راهبردی استفاده می‌کند.

تسلط اطلاعاتی از سه مسیر اصلی شکل می‌گیرد: الف) تسلط در جمع‌آوری اطلاعات^۳، ب) تسلط در تحلیل و تفسیر چندلایه^۴ و ج) تسلط در شکل‌دهی ادراک و رفتار^۵.

در شرایط محیطی که تهدیدات از سطح راهکنشی به لایه‌های شناختی، روانی، ادراکی و ادراک‌سازی ارتقا یافته است، تسلط اطلاعاتی دیگر محدود به مدیریت کلان

1- Deppe, C., & Schaal, G. S.

2- Radulescu, B. G.

3- Surveillance and Access

4- Multi-source Intelligence Fusion

5- Cognitive Influence

داده‌ها نیست؛ بلکه شامل نفوذ در فرایند تصمیم‌سازی رقبا، شبیه‌سازی تصمیمات آن‌ها، ایجاد اختلال در مدل‌های ذهنی‌شان و اعمال قدرت ادراکی بر منابع شناختی آنان است. در چنین بستری، تسلط اطلاعاتی نوعی توانایی برای طراحی، مهندسی و کنترل نظام‌های پیچیده اطلاعاتی/شناختی محسوب می‌شود و محور اصلی رقابت در حکمرانی آینده‌محور به شمار می‌آید. این نوع تسلط زمانی به‌طور کامل محقق می‌شود که سازمان یا نظام حکمرانی -نه فقط در کنترل «اطلاعات راهبردی»^۱ بلکه- در اشراف و تسلط بر میدان‌های «اطلاعات رقبا» و «محیط‌های اطلاعاتی پیچیده»^۲ توانمند باشد (پورمنافی، ۱۴۰۴، ص ۷۹).

تسلط اطلاعاتی مؤثر ترکیبی از قدرت ادراک موقعیت، پیش‌نگری، جهت‌دهی، اغوا، نفوذ، تفسیر و مدیریت پویایی‌های اطلاعاتی است که به نهاد حاکمیتی امکان می‌دهد از موضعی فراتر از تقابل واکنشی عمل کند و نقش‌آفرینی ساختاردهنده در بوم‌سازگان قدرت باشد.

کارکرد تسلط اطلاعاتی برتری راهبردی در فضای شناختی، کنترل میدان اطلاعاتی و نفوذ در ساختار ادراکی دشمن و ویژگی‌های آن شامل مهندسی اطلاعات، فریب ادراکی، تولید قدرت شناختی، مدیریت داده‌های پیچیده و تهاجم پیش‌ساختاری به نظام تحلیلی رقباست (دپه و شال، ۲۰۲۴).

حکمرانی^۳: در تعریفی ابتدایی، حکمرانی می‌تواند مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادهایی تعریف شود که حاکمان در چارچوب آن‌ها عمل می‌کنند. این مفهوم همچنین می‌تواند به‌مثابه روشی برای اعمال قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور یا تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت در تمام سطوح در نظر گرفته شود. این تصدی‌گری شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن‌ها، شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع در کشور می‌توانند حقوق قانونی خود را مطالبه کنند، از تعهدات خود آگاه شوند و اختلافات یا تفاوت‌های موجود را حل‌وفصل کنند (یگانگی و بیگلی، ۱۳۹۹).

1- Strategic Intelligence

2- Complex Intelligence Ecosystems

3- Governance

حکمرانی اطلاعاتی عمومی^۱: فرایندی راهبردی و نظام‌مند است که در آن کنشگران حکومتی و غیرحکومتی در سطوح فراملی، ملی و محلی از طریق خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری تعامل می‌کنند. هدف از این فرایند تسهیل و ارائه خدمات عمومی برای تحقق اهداف جمعی مشترک است که با اعمال اقتدار مشروع و در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های حاکم بر آن حوزه صورت می‌پذیرد (عالی و همکاران، ۱۴۰۳).

حکمرانی اطلاعاتی^۲: عبارت است از نظامی کل‌نگر، مشروع و تطبیقی برای هدایت، نظارت و هماهنگی تمام فرایندهای هوشمندی و تحلیل اطلاعاتی -از گردآوری داده‌ها تا تحلیل، تصمیم‌سازی و بازخورد- با هدف ارتقای اثربخشی شناختی، مشروعیت نهادی، پاسخ‌گویی عمومی و کنترل مخاطرات ادراکی و امنیتی (گلدمن و رسکاف^۳، ۲۰۱۶). این نظام، با تلفیق سازوکارهای قانونی، نهادی، فناورانه و اخلاقی، شرایطی فراهم می‌سازد که تولید و بهره‌برداری از هوشمندی منطبق با اصول شفافیت، ضرورت، تناسب و پاسخ‌گویی صورت گیرد (دی.سی.ای.اف.^۴، ۲۰۲۲). در این معنا، حکمرانی اطلاعاتی سطحی عالی‌تر از چرخه هوشمندی است و چارچوبی راهبردی برای هم‌افزایی میان لایه‌های «اشراف»، «آینده‌نگاری» و «تسلط اطلاعاتی» فراهم می‌سازد؛ به گونه‌ای که تمام مراحل چرخه اطلاعاتی -از جمع‌آوری تا تصمیم‌سازی- تابع معیارهای قانونی، اخلاقی و ارزیابی کیفیت تحلیل باشد (لونتال، ۲۰۲۰).

جدول شماره ۱: مقایسه مفاهیم حکمرانی از زوایای مختلف

معیار / مفهوم	حکمرانی	حکمرانی اطلاعات عمومی	حکمرانی اطلاعاتی تخصصی
تعریف کوتاه	مجموعه‌ای از سنت‌ها، نهادها و سازوکارهایی که هدایت، کنترل و تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را ممکن می‌سازد	فرایند راهبردی و تعامل نظام‌مند کنشگران حکومتی و غیرحکومتی در قلمرو فراملی/ملی برای ارائه خدمات عمومی با اعمال اقتدار مشروع	نظام کل‌نگر، مشروع و تطبیقی برای هدایت، نظارت و هماهنگی فرایندهای هوشمندی و تحلیل اطلاعاتی -از گردآوری تا تصمیم‌سازی- با رعایت معیارهای قانونی، اخلاقی و کیفیت تحلیل
دامنه عملکرد	همه‌سازمانی و اجتماعی؛ سیاست‌گذاری و مدیریت	قلمرو فراملی، ملی و فروملی؛ سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و	کل چرخه اطلاعاتی؛ جمع‌آوری، تحلیل، تصمیم‌سازی، بازخورد،

1- Public Information Governance

2- Intelligence Governance

3- Goldman & Rascoff

4- DCAF

معیار / مفهوم	حکمرانی	حکمرانی اطلاعات عمومی	حکمرانی اطلاعاتی تخصصی
	منابع و نهادها	ارائه خدمات عمومی	مدیریت هوشمندی و داده‌ها
عمق و کیفیت توانمندی	سازوکارها و فرایندهای ساختاری برای مدیریت منابع و تعاملات اجتماعی	تعامل نظام‌مند کنشگران با تمرکز بر هماهنگی و اقتدار مشروع	تلفیق سازوکارهای قانونی، نهادی، فناورانه و اخلاقی برای بهره‌برداری هوشمندانه و باکیفیت از داده و تحلیل
هدف نهایی	مدیریت، هماهنگی و کنترل منابع و قدرت	تحقق اهداف جمعی و مشترک میان کنشگران	ارتقای اثربخشی شناختی، مشروعیت نهادی، پاسخگویی عمومی و کنترل مخاطرات ادراکی و امنیتی
نمونه‌های کاربردی	سیاست‌گذاری کلان، مدیریت اقتصادی، حل اختلافات اجتماعی	ارائه خدمات عمومی، هماهنگی بین نهادهای دولتی و غیردولتی، تنظیم‌گری فرایندها	مدیریت اطلاعات امنیتی، تحلیل داده‌های راهبردی، پیش‌بینی روندها، تصمیم‌سازی راهبردی
رویکرد در قبال رقبا / محیط	کنترلی و تنظیمی	همکارانه و تنظیمی	پیش‌نگر، تطبیقی، سطح بالا و راهبردی؛ مدیریت اطلاعات رقبا و محیط پیچیده
زمان‌بندی عملکرد	بلندمدت و مستمر	میان‌مدت تا بلندمدت	هم‌زمان با چرخه اطلاعاتی، مستمر و لحظه‌ای در تحلیل و تصمیم‌سازی
بازیگران	دولت، نهادهای عمومی، بخش خصوصی، جامعه مدنی	کنشگران حکومتی و غیرحکومتی، نهادهای فراملی و ملی	نهادهای اطلاعاتی، تحلیلگران، تصمیم‌گیران، سازمان‌های نظارتی و قانونی
رابطه بین مفاهیم	پایه و چارچوب کلی برای سایر سطوح حکمرانی	توسعه‌یافته از حکمرانی با تمرکز بر اطلاعات و خدمات عمومی	سطح تخصصی و عالی‌تر؛ هم‌افزایی با حکمرانی اطلاعاتی عمومی و چرخه هوشمندی، تلفیق اشراف، آینده‌نگاری و تسلط اطلاعاتی
نظام و قوانین	قواعد نهادی، سنت‌ها، قوانین اساسی	چارچوب‌های قانونی، خط‌مشی‌ها و ارزش‌های اجتماعی	چارچوب قانونی، اخلاقی، نهادی، فناورانه و استانداردهای کیفیت تحلیل
ملاحظات دیگر	پاسخگویی شهروندان، تعهدات و تعاملات اجتماعی	تحقق اهداف جمعی، هماهنگی کنشگران	شفافیت، ضرورت، تناسب، پاسخگویی و کنترل مخاطرات شناختی و امنیتی

تبیین مفهومی و ابعاد ساختاری حکمرانی اطلاعاتی:

- ۱- چارچوب قانونی و نهادی: شامل قواعد حقوقی، نهادهای نظارتی و سازوکارهای پاسخ‌گویی است که تضمین می‌کند فرایندهای اطلاعاتی با اصول حاکمیت قانون و حقوق بشر همسو باشد (دی.سی.ای.اف، ۲۰۲۲).
 - ۲- یکپارچگی و انسجام چرخه اطلاعاتی: از گردآوری تا تحلیل و انتشار، باید در چارچوب واحدی مدیریت شود تا از پراکندگی و تضاد اطلاعات جلوگیری شود (لونتال، ۲۰۲۰).
 - ۳- پاسخ‌گویی و مشروعیت: نهادهای اطلاعاتی موظف به گزارش‌دهی، ممیزی و پذیرش نظارت قانونی و مدنی‌اند تا مشروعیت خود را در برابر جامعه حفظ کنند (گلدمن و رسکاف، ۲۰۱۶).
 - ۴- پیش‌نگری و تطبیق‌پذیری فناورانه: نظام حکمرانی باید بتواند با ظهور فناوری‌های نو -از جمله هوش مصنوعی و داده‌های کلان- خود را بازتعریف و سیاست‌های انطباقی اتخاذ کند (رئول و آندهایم، ۲۰۲۴).
- ارزیابی کیفیت و بازخورد مستمر: با استفاده از شاخص‌های نظارتی، مانند دقت تحلیل، زمان پاسخ‌گویی و انطباق با الزامات اخلاقی، می‌توان اثربخشی حکمرانی اطلاعاتی را سنجید (دی.سی.ای.اف، ۲۰۲۲).

جدول شماره ۲: مؤلفه‌ها و ساختارهای حکمرانی اطلاعاتی

مؤلفه	توضیح
چارچوب قانونی و هنجاری	شامل قوانین، مقررات ملی و بین‌المللی، دستورالعمل‌های امنیتی، استانداردهای محافظت از داده و اصول اخلاقی. قاعده‌گذاری، سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی.
معماری نهادی	نهادهای مسئول در سطح ملی و سازمانی؛ شامل مراکز تحلیل اطلاعات، نهادهای نظارتی، قوه قضائیه، واحدهای حسابرسی مستقل و ناظران مدنی.
فرایندها و کنترل‌ها	چرخه کامل فعالیت‌های اطلاعاتی: گردآوری، تحلیل، انتشار، تصمیم‌سازی، بازخورد و بازنگری؛ شامل مجوزدهی، ارزیابی کیفیت، مدیریت خطرپذیری و کنترل‌های نظارتی.
سازوکار شفافیت و پاسخگویی	گزارش‌دهی به مقامات مربوط، مستندسازی تصمیمات، ممیزی و بازبینی مستقل.
کنترل اخلاقی و حقوق بشری	ارزیابی ضرورت و تناسب اقدامات، محافظت از حقوق فردی و جمعی، سازوکارهای جبران خسارت و جلوگیری از سوءاستفاده.
سازوکار یادگیری و انطباق	بازنگری نظام‌مند سیاست‌ها و فرایندها، به‌ویژه در مواجهه با تغییرات محیطی و فناوری‌های نوظهور، داده‌های حجیم و شبکه‌های جهانی.

نهایت	چارچوب کلان و بستر سازمان‌دهی فعالیت‌های اطلاعاتی را فراهم می‌کند و تضمین‌کننده انطباق این فعالیت‌ها با اهداف کلان امنیت ملی و منافع جامعه است. این چارچوب تضمین می‌کند که تمام فعالیت‌های اطلاعاتی مشروع پاسخگو و شفاف باشند.
-------	--

جدول شماره ۳: تطبیق مفاهیم و ادبیات نظری

معیار / مفهوم	اشراف اطلاعاتی	آینده‌نگاری اطلاعاتی	تسلط اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی
دامنه عملکرد	رصد همه‌جانبه، تحلیل تطبیقی و کنترل موقعیت شناختی	طراحی سناریوهای آینده، پیش‌بینی روندها و تحلیل عدم قطعیت‌ها	میدان شناختی، روانی، رفتاری و اطلاعاتی رقبا	کل چرخه اطلاعاتی در سطح ملی و سازمانی
عمق و کیفیت توانمندی	ترکیب داده‌های چندمنبعی و چندرشته‌ای برای ادراک بافتاری	بهره‌گیری از تحلیل‌های پیش‌نگر و مدل‌سازی رفتاری	تلفیق داده، تحلیل انسانی و مهندسی ادراک دشمن	استانداردسازی، یکپارچگی و بازخوردپذیری دستگاه‌های اطلاعاتی
هدف نهایی	پیش‌دستی اطلاعاتی و کنترل ادراک تصمیم‌گیر	آمادگی تطبیقی در برابر آینده‌های ممکن و محتمل	برتری شناختی و نفوذ در نظام تصمیم‌سازی رقبا	مشروعیت، پاسخگویی و انسجام نظام اطلاعاتی
نمونه‌های کاربردی	رصد تحولات سیاسی و امنیتی، هشدار زودهنگام	تحلیل سناریوهای تهدید سایبری یا ژئوپلیتیکی	عملیات شناختی و جنگ ترکیبی	سیاست‌گذاری داده و مقررات امنیت اطلاعات
رویکرد در قبال رقبا و محیط	مراقبتی و کنترلی	پیش‌نگر و آینده‌محور	تهاجمی و ادراک‌ساز	تنظیم‌گر و هماهنگ‌کننده
زمان‌بندی عملکرد	مداوم و هم‌زمان با تحولات	میان‌مدت تا بلندمدت	کوتاه‌مدت تا لحظه‌ای (پی‌درنگ)	بلندمدت و پایدار
بازیگران	نهادهای اطلاعاتی و تحلیلی	مراکز آینده‌پژوهی امنیتی و اتاق‌های فکر	واحدهای عملیات روانی، اطلاعاتی و سایبری	نهادهای حاکمیتی و سیاست‌گذار
رابطه بین مفاهیم	مبنای تولید داده و ادراک برای سایر سطوح	مکمل اشراف در بعد آینده‌محور	حاصل ترکیب اشراف و آینده‌نگاری در بعد کنشی	چارچوب بالادستی برای تنظیم و هم‌افزایی سه مفهوم دیگر
نظام و قوانین و مقررات	ضوابط نظارتی و ارزیابی مخاطرات	چارچوب‌های اخلاقی و تصمیم‌سازی پیش‌نگر	قواعد جنگ شناختی و اطلاعاتی	قوانین جامع داده و امنیت ملی اطلاعات
سیاست‌های کلی	صیانت از چرخه اطلاعات و کنترل انحرافات	پیش‌دستی در مواجهه با عدم قطعیت‌ها	تسلط راهبردی در فضای شناختی	حکمرانی یکپارچه و شفاف اطلاعات
میزان	زیاد در تشخیص	زیاد در آمادگی راهبردی	بسیار زیاد در میدان	فراگیر در همه سطوح

معیار / مفهوم	اشراف اطلاعاتی	آینده‌نگاری اطلاعاتی	تسلط اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی
تأثیرگذاری	موقعیت و کاهش غافلگیری	و انعطاف ساختاری	رقابت شناختی	سیاست‌گذاری و اجرا
ملاحظات دیگر	نیازمند ساختارهای نظارتی چندلایه	وابسته به کیفیت داده و مدل‌سازی	نیازمند هماهنگی میان داده، محتوا و زمان	نیازمند سازوکارهای قانونی، اخلاقی و فناورانه پایدار

در این تحقیق، با تأکید بر «حکمرانی اطلاعاتی»، سه مؤلفه محوری و فرایندی یعنی «اشراف اطلاعاتی»، «آینده‌نگاری اطلاعاتی» و «تسلط اطلاعاتی» را، به‌منزله عناصر کلیدی در تحقق حکمرانی هوشمند، تحلیل نظری و مدل‌سازی مفهومی کرده‌ایم. این چارچوب از پیوند میان دانش پژوهش‌ها اطلاعاتی، مدیریت راهبردی، آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری امنیتی الهام گرفته است. حکمرانی اطلاعاتی چارچوبی سطح‌عالی و راهبردی است که نقطه تکامل و یکپارچه‌سازی اشراف، آینده‌نگاری و تسلط اطلاعاتی به‌شمار می‌رود. در چارچوب نظری این تحقیق، «اطلاعات تخصصی» یا «هوش» به‌مثابه داده تعریف نمی‌شود؛ بلکه در جایگاه ابزار حکمرانی و سلاح شناختی قرار می‌گیرد.

مدل مفهومی این تحقیق حکمرانی اطلاعاتی بر سه مؤلفه کلیدی اشراف اطلاعاتی، آینده‌نگاری اطلاعاتی و تسلط اطلاعاتی استوار است. این سه مؤلفه در چرخه‌ای تعاملی و تکاملی عمل می‌کنند و با ارتقای تدریجی سطح بلوغ شناختی نظام اطلاعاتی، امکان اعمال قدرت هوشمند و آینده‌محور را فراهم می‌سازند؛ به‌طوری‌که هر کدام از این مؤلفه‌ها سطحی از بلوغ شناختی و توانمندی عملیاتی برای تولید و اعمال قدرت اطلاعاتی را ممکن می‌سازند. این سه مؤلفه در مدلی تعاملی و یکپارچه، منجر به تحقق «حکمرانی اطلاعاتی» مؤثر می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که ساختارهای امنیتی، اطلاعاتی و سیاسی نظام بتوانند به شکل کنشی، هوشمندانه و آینده‌محور بر تهدیدات نوین و سیال مسلط شوند. این مدل نشان می‌دهد که حکمرانی اطلاعاتی فقط زمانی اثربخش خواهد بود که این سه مؤلفه در پیوندی منسجم و پشت سرهم عمل کنند؛ به‌گونه‌ای که نظام اطلاعاتی از سطح جمع‌آوری و تحلیل داده، به مرحله پیش‌بینی و سپس به مرحله اعمال قدرت شناختی ارتقا یابد.



نمودار شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

روش

این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای و با رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد صورت گرفته است تا الگویی مفهومی برای حکمرانی اطلاعاتی از مسیر اشرف اطلاعاتی، آینده‌نگاری و تسلط اطلاعاتی تبیین و ایجاد شود. داده‌ها، از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با سؤالات باز و انعطاف‌پذیر، گردآوری شد و محورهایی مانند درک مفهومی حکمرانی اطلاعاتی، تجربه‌های عملی در اعمال نظارت اطلاعاتی، جایگاه آینده‌نگاری و مؤلفه‌های تسلط اطلاعاتی را در بر گرفت. روند مصاحبه‌ها به صورت تدریجی اصلاح و غنی‌سازی شد تا مفاهیم جدید و زمینه‌های تجربی به‌طور کامل استخراج شود.

جامعه آماری شامل خبرگان و متخصصان ارشد حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی و راهبردی بود که به صورت هدفمند انتخاب شدند. تمام مشارکت‌کنندگان دارای حداقل ده سال سابقه حرفه‌ای در حوزه‌های مرتبط، تحصیلات کارشناسی ارشد یا بالاتر در رشته‌های مدیریت راهبردی، پژوهش‌ها امنیتی، اطلاعات، علوم سیاسی یا آینده‌پژوهی و جایگاه سازمانی عالی (درجات نظامی سرهنگی و بالاتر یا رده‌های مدیریتی هجده به بالا) بودند. این ترکیب تجربی و علمی اطمینان از عمق دانش، گستره بینشی و اعتبار داده‌های گردآوری شده را در فرایند تحلیل کیفی پژوهش فراهم ساخت.

تحلیل داده‌ها بر اساس الگویی سه‌مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، مصاحبه‌ها به واحدهای معنایی تفکیک و کدهای اولیه استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری، این کدها به مقوله‌های محوری دسته‌بندی و روابط میان مفاهیم کلیدی شناسایی شد و در مرحله

کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها تلفیق و الگوی مفهومی نهایی شکل گرفت. معیار اشباع نظری با ادامه مصاحبه‌ها تعیین شد و پس از پایان نه مصاحبه، هیچ مقوله یا مفهوم جدیدی استخراج نشد.

برای اعتبارسنجی داده‌ها، از روش‌های متداول در پژوهش‌های کیفی استفاده شد: مثلث‌سنجی داده‌ها با ترکیب مصاحبه‌ها و منابع اسنادی، بازبینی مشارکتی از طریق ارائه یافته‌های اولیه به مصاحبه‌شوندگان برای تأیید یا اصلاح و ممیزی خارجی با بازبینی تحلیل‌ها توسط دو متخصص مستقل در حوزه اطلاعات و امنیت صورت گرفت. این اقدامات صحت، انسجام و قابلیت اعتماد یافته‌ها را در تبیین الگوی مفهومی حکمرانی اطلاعاتی تضمین کرد.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان:

جدول شماره ۴: اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد مصاحبه	دسته‌بندی	سابقه حرفه‌ای (سال)	سطح تحصیلات	جایگاه سازمانی / رده
M1	نظامی	۱۵	دکتری	واحد اطلاعاتی نظامی
M2	نظامی	۱۲	دکتری	واحد عملیات ویژه
M3	نظامی	۱۰	کارشناسی ارشد	ارشد امنیت اطلاعات
M4	غیرنظامی	۱۸	دکتری	مدیر کل تحلیل داده‌های راهبردی
M5	غیرنظامی	۱۴	دکتری	پژوهشگر ارشد آینده‌پژوهی امنیتی
M6	غیرنظامی	۱۲	کارشناسی ارشد	مدیر واحد اطلاعات و تحلیل
M7	نظامی	۱۶	دکتری	واحد اطلاعات
M8	غیرنظامی	۱۱	دکتری	مدیر مرکز تحلیل تهدیدات سایبری
M9	نظامی	۱۳	کارشناسی ارشد	ارشد عملیات و نظارت

توضیح اینکه تمام مصاحبه‌شوندگان مرد بودند و تجربه حرفه‌ای آن‌ها بین ده تا هجده سال متغیر است. مصاحبه‌شوندگان نظامی شامل افسران ارشد و فرماندهان واحدهای اطلاعاتی و عملیاتی و مصاحبه‌شوندگان غیرنظامی شامل مدیران، تحلیل‌گران و پژوهشگران امنیتی و آینده‌پژوهی بودند. این ترکیب حرفه‌ای اعتبار و عمق تحلیل داده‌ها را افزایش می‌دهد و تضمین می‌کند که دیدگاه‌ها از ابعاد عملیاتی و راهبردی محیط اطلاعاتی کشور استخراج شده باشد.

تحلیل داده‌ها بر اساس الگوریتم سه‌مرحله‌ای اشتراوس و کوربین (باز، محوری، انتخابی) صورت گرفت و پدیده محوری تحقیق «حکمرانی اطلاعاتی» تعیین شد. استدلال این انتخاب به شرح زیر است:

- کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های جمع‌آوری، تحلیل، تصمیم‌سازی و هماهنگی میان نهادها چرخه‌ای نظام‌مند و منسجم را تشکیل می‌دهد که محور کل فرایندهای اطلاعاتی است.

- تمام مقوله‌ها از قبیل «دیده‌بانی اطلاعاتی»، «روندیابی و تحلیل تحولات»، «تولید محصولات اطلاعاتی»، «مسئول‌سازی و انسجام‌بخشی اطلاعاتی» و «تسلط اطلاعاتی» به این پدیده مرکزی مرتبط و در خدمت تحقق آن هستند. در جدول‌های شماره (۵ و ۶) نمونه‌ای از کدگذاری‌ها آورده شده است:

جدول شماره ۵: کدگذاری باز (نمونه)

ردیف	دیدگاه	کدگذاری باز
۱	پایش تحولات محیطی و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها ضروری است	دیده‌بانی محیطی، پایش روندها و تحلیل رویدادها
۲	تدوین سناریوهای آینده برای برنامه‌ریزی راهبردی لازم است	سناریوپردازی، پیش‌بینی و تحلیل احتمالات

جدول شماره ۶: کدگذاری محوری (نمونه)

ردیف	کدهای انتخابی	کد محوری
۱	سناریو، پیش‌بینی، آمادگی	سناریوپردازی راهبردی
۲	فرصت‌سازی، جریان‌سازی، مسئول‌سازی	مسئول‌سازی راهبردی

جدول شماره ۷: کدگذاری باز در تحلیل کیفی مضمون محور داده‌ها (مفاهیم اولیه)

ردیف	دیدگاه‌ها	کدگذاری باز
۱	دیده‌بانی، گردآوری و استفاده از اطلاعات درباره رویدادها، روندها و روابط در محیط برون‌سازمانی، برای برنامه‌ریزی مسیر آینده سازمان ضروری است.	دیده‌بانی محیطی، پایش روندها و تحلیل رویدادها
۲	هدف دیده‌بانی پیشگیری از غافلگیری است؛ این اقدام با شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، مزیت رقابتی ایجاد می‌کند و منجر به اصلاح برنامه‌ریزی سازمان‌ها می‌شود.	پیشگیری از غافلگیری، شناسایی فرصت و تهدید و اصلاح برنامه‌ریزی
۳	نقش نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در حکمرانی مطلوب شناسایی موانع کلان و قرار دادن آن‌ها در اولویت مأموریت‌هاست.	نقش نهاد اطلاعاتی، مأموریت اطلاعاتی، موانع کلان
۴	در ساختار جامعه اطلاعاتی کشورهایی مانند آمریکا، روسیه و رژیم	جامعه اطلاعاتی، ساختار

ردیف	دیدگاه‌ها	کدگذاری باز
	صهیونیستی، سازمان‌های اطلاعاتی متعدد با مأموریت‌های تخصصی ذیل حکمرانی اطلاعاتی عمل می‌کنند.	چندسازمانی، تنوع مأموریت‌ها و انسجام نهادی
۵	آینده‌نگاری در حوزه‌های پرتحول، ابزار تصمیم‌سازی راهبردی است؛ با بهره‌گیری از سناریونویسی، برنامه‌های راهبردی متناسب تدوین می‌شود.	آینده‌نگاری راهبردی، سناریونویسی و تصمیم‌سازی آینده‌محور

این جدول نشان می‌دهد که چگونه دیدگاه‌های صاحب‌شوندگان به مفاهیم اولیه یا کدهای باز تبدیل شده است. این مرحله پایه‌ی تحلیل است و برای استخراج مقوله‌های محوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مرحله کدگذاری، مفاهیم استخراج‌شده از دیدگاه‌های مرتبط در قالب کدهای محوری سازمان‌دهی شد. برای افزایش روایی و اعتبار تحلیل، کدهای محوری با مشارکت ده نفر از خبرگان حوزه‌های امنیتی، اطلاعاتی و آینده‌پژوهی مرور و اصلاح شد و مقوله‌های نهایی مورد تأیید قرار گرفت.

جدول شماره ۸: کدگذاری محوری در فرایند تحلیل مضمون داده‌های کیفی (مقوله‌های میانی)

ردیف	مفاهیم استخراج‌شده (کدهای انتخابی)	کد محوری نهایی
۱	فرضیات، احتمالات، پیش‌بینی، مطلوبیت، امکانات، مقدورات، آمادگی و سناریوها	سناریوپردازی راهبردی
۲	بسترسازی، جریان‌سازی، مسئول‌سازی و فرصت‌سازی	مسئول‌سازی راهبردی
۳	آگهی اخبار، برآورد اطلاعاتی، هشدار اطلاعاتی، گزارش ویژه، اطلس امنیتی و آمایش امنیتی	محصولات اطلاعاتی
۴	پیش‌کنشگر، خطرپذیر، حرفه‌ای، اثربخش، تمام‌کننده، بهنگام و سریع	اقتدار اطلاعاتی عملیاتی

جدول شماره ۹: کدگذاری انتخابی منجر به استخراج مقوله مرکزی «حکمرانی اطلاعاتی»

ردیف	کدهای محوری (مقوله‌های میانی)	مقوله مرکزی	پدیده محوری	شرایط / عوامل مؤثر	راهبرد / پیامد
۱	دیده‌بانی اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی	اشراف اطلاعاتی	دسترسی به داده‌های چندمنبعی و رصد محیط داخلی و خارجی	تحلیل موقعیت، شناسایی فرصت و تهدید و پیشگیری از غافلگیری
۲	روندیابی و تحلیل تحولات	حکمرانی اطلاعاتی	آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری	پیچیدگی تحولات و عدم قطعیت محیط	طراحی سناریو، پیش‌بینی روندها و آمادگی سازمانی
۳	مدیریت چرخه اطلاعات	حکمرانی اطلاعاتی	اشراف و تسلط اطلاعاتی	منابع اطلاعاتی انسانی و فناوری و یکپارچگی داده‌ها	پردازش، تحلیل، انتشار اطلاعات و ارتقای

ردیف	کدهای محوری (مقوله‌های میانی)	مقوله مرکزی	پدیده محوری	شرایط / عوامل مؤثر	راهبرد / پیامد
					تصمیم‌گیری راهبردی
۴	تولید محصولات اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی	اشراف اطلاعاتی	کیفیت داده‌ها و تحلیل‌ها	ارائه خروجی‌های اطلاعاتی، هشدار زودهنگام و گزارش‌های تحلیلی
۵	جامعه اطلاعاتی سازمانی	حکمرانی اطلاعاتی	انسجام نهادی	همکاری بین سازمان‌ها و تبادل داده	هماهنگی نهادها، هم‌افزایی اطلاعاتی و افزایش قدرت جمع‌آوری و تحلیل
۶	مسئول‌سازی و بسترسازی	حکمرانی اطلاعاتی	مدیریت فرایند اطلاعاتی	تعهد سازمانی و مسئولیت‌پذیری افراد	ایجاد زیرساخت‌ها، جریان‌سازی فرایندها و پاسخگویی و شفافیت
۷	طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی راهبردی	حکمرانی اطلاعاتی	آینده‌نگاری	چشم‌اندازها و خط‌مشی‌های سازمان	تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های بلندمدت و تصمیم‌گیری داده‌محور
۸	انسجام‌بخشی و هم‌افزایی اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی	یکپارچگی و هماهنگی	پراکندگی داده‌ها و نهادها	ارتقای اثربخشی تصمیم‌گیری و جلوگیری از موازی‌کاری
۹	هوشمندی و توانمندسازی اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی	تسلط اطلاعاتی	بهره‌گیری از فناوری و دانش	ارتقای قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری هوشمندانه و آینده‌محور
۱۰	اقتدار و کارآمدی اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی	تسلط اطلاعاتی	ثوابت عملیاتی و سرعت واکنش	کنترل شرایط، کاهش مخاطرات و تصمیم‌گیری سریع و مؤثر
۱۱	عملیات اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی	اشراف و تسلط	تجهیزات فنی و سامانه‌های تخصصی	پشتیبانی، تعقیب، کشف و خنثی‌سازی تهدیدات
۱۲	ساختار کلان دستگاه اطلاعاتی	حکمرانی اطلاعاتی	انسجام نهادی	هماهنگی نهادهای کلان	سیاست‌گذاری مشترک و مدیریت کلان چرخه اطلاعاتی

شرح مقوله‌ها و مفاهیم کلیدی:

- مقوله دیده‌بانی اطلاعاتی: این مقوله فرایندهای مستمر شناسایی و رصد دقیق و نظام‌مند عوامل و تحولات محیطی داخلی و خارجی را دربرمی‌گیرد.

- زیرمقوله‌های آن شامل پایش، رصد، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها و ارزیابی مداوم شرایط محیطی است. دیده‌بانی اطلاعاتی نقش بنیادین در فراهم‌سازی داده‌های اولیه و لازم برای چرخه اطلاعاتی ایفا می‌کند و زمینه‌ساز هوشمندی سازمانی است.
- مقوله روندیابی و تحلیل تحولات: در این حوزه، وقایع و رخدادها رصد می‌شود و از طریق شناسایی جهت‌گیری‌ها، گرایش‌ها، الگوها و پیش‌رانش‌های تغییر، روندهای جاری و آتی تحلیل می‌شود. روندیابی -به‌مثابه یکی از ارکان آینده‌پژوهی- امکان پیش‌بینی تحولات و آمادگی سازمان را برای مواجهه با سناریوهای مختلف فراهم می‌آورد.
- مقوله مدیریت چرخه اطلاعات: این مقوله شامل فرایندهای جمع‌آوری، پردازش، تحلیل، تولید و انتشار اطلاعات است. مدیریت منابع اطلاعاتی انسانی، فناوری‌های مرتبط و سامانه‌های جمع‌آوری داده‌ها در این بخش مورد توجه است. اثربخشی مدیریت اطلاعات موجب افزایش کیفیت محصولات اطلاعاتی و تسهیل تصمیم‌گیری‌های راهبردی می‌شود.
- مقوله تولید محصولات اطلاعاتی: خروجی‌های تحلیلی و اطلاعاتی شامل آگهی‌ها، برآوردهای اطلاعاتی، هشدارها، گزارش‌های ویژه، اطلس‌ها و آمایش‌های امنیتی در این مقوله جای می‌گیرد. محصولات اطلاعاتی مبنای تصمیم‌سازی و اقدام در سطوح مختلف امنیتی، انتظامی و راهبردی به شمار می‌رود و نقش حیاتی در انتقال دانش و بینش اطلاعاتی دارد.
- مقوله جامعه اطلاعاتی سازمانی: این بخش به شبکه متشکل از سازمان‌ها و یگان‌های مختلف اطلاعاتی و انتظامی اشاره دارد که با هدف تبادل، هم‌افزایی و انسجام‌بخشی داده‌ها و تحلیل‌ها همکاری می‌کنند. تنوع و گستردگی اعضای جامعه اطلاعاتی در نظام انتظامی قدرت جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات را به‌شدت افزایش می‌دهد.
- مقوله مسئول‌سازی و بسترسازی: ایجاد زیرساخت‌های لازم و جریان‌سازی فرایندهای اطلاعاتی در سطح سازمانی و ملی، همراه با تقویت مسئولیت‌پذیری افراد و نهادها در مدیریت اطلاعات از ویژگی‌های این مقوله است. مسئول‌سازی -

- به معنای تعهد و پاسخگویی در قبال اطلاعات و استفاده صحیح از آن - ضامن صحت و اعتبار فرایندهای اطلاعاتی است.
- مقوله طرح ریزی و برنامه ریزی راهبردی: این بخش بر تدوین خطمشی‌ها، چشم‌اندازها و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت تأکید دارد که بر اساس تحلیل‌های دقیق اطلاعاتی و آینده‌پژوهی شکل می‌گیرد. طرح ریزی راهبردی به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا با بهره‌گیری از داده‌ها، مسیرهای بهینه را برای مقابله با تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌ها تعریف کنند.
 - مقوله انسجام‌بخشی و هم‌افزایی اطلاعاتی: ایجاد هم‌پوشانی، یکپارچگی و هماهنگی میان داده‌ها، فرایندها و نهادهای مختلف اطلاعاتی موجب افزایش اثربخشی و بهره‌وری اطلاعات می‌شود. انسجام‌بخشی، از طریق تعامل متقابل و هدایت‌گرانه بین بخش‌ها، از پراکندگی و موازی‌کاری جلوگیری می‌کند و ظرفیت تحلیل و تصمیم‌گیری را ارتقا می‌بخشد.
 - مقوله سناریوپردازی و مدیریت عدم قطعیت: بر اساس تحلیل‌های آینده‌نگر و ارزیابی احتمالات مختلف، سناریوهای متنوع طراحی می‌شود تا سازمان بتواند، ضمن پیش‌بینی شرایط احتمالی، برای هر وضعیت آماده باشد. این مقوله به ارتقای آمادگی سازمانی در مواجهه با بحران‌ها و تحولات ناگهانی کمک می‌کند.
 - مقوله هوشمندی و توانمندسازی اطلاعاتی: مفاهیمی نظیر پیشتازی، منزلت‌آفرینی، رضایت‌بخشی، همراه‌سازی، هوشمندی و دانش‌محوری در این حوزه جای می‌گیرد. این مقوله بیانگر به‌کارگیری فناوری‌های نوین، تحلیل‌های داده‌محور و فرایندهای یادگیری مستمر است که به ارتقای قابلیت‌های اطلاعاتی و تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه منجر می‌شود.
 - مقوله اقتدار و کارآمدی اطلاعاتی: قابلیت‌های پیش‌کنشگری، کاهش مخاطرات، اثربخشی و بهنگامی و سرعت در اقدام شاخصه‌های اصلی این مقوله است. اقتدار اطلاعاتی تضمین می‌کند که سازمان در شرایط بحرانی، با قدرت تصمیم‌گیری و واکنش سریع، از موقعیت خود دفاع و در عین حال کنترل شرایط را حفظ کند.
 - مقوله عملیات اطلاعاتی: فعالیت‌های عملیاتی نظیر پشتیبانی، تعقیب، مراقبت، کشف، دستگیری و خنثی‌سازی تهدیدات به همراه استفاده از تجهیزات فنی و

- سامانه‌های تخصصی در این حوزه قرار دارد. عملیات اطلاعاتی تجسم عینی فرایندهای تحلیل و تصمیم‌سازی است و نقش مهمی در تحقق اهداف امنیتی و انتظامی ایفا می‌کند.
- مقوله ساختار کلان دستگاه اطلاعاتی کشور: شامل نهادهای کلان و هماهنگ‌کننده همچون شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات، سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح و انتظامی است که با همکاری و هماهنگی، سیاست‌ها و راهبردهای کلی نظام اطلاعاتی کشور را تدوین و اجرا می‌کنند.
 - تسلط اطلاعاتی: شامل هوشمندی، اقتدار و مدیریت اطلاعات برای کنترل میدان شناختی و تصمیم‌گیری راهبردی است.
 - حکمرانی اطلاعاتی: مقوله کلان که تمام فرایندها و نهادهای مرتبط را هماهنگ و منسجم می‌سازد و چارچوب قانونی و نهادی برای تصمیم‌گیری هوشمندانه فراهم می‌کند.
- پدیده محوری: پدیده محوری این پژوهش «حکمرانی اطلاعاتی در سطح کلان نظام اطلاعاتی کشور» است. این پدیده شامل چرخه‌ای از فعالیت‌های اشراف اطلاعاتی، آینده‌نگاری اطلاعاتی و تسلط اطلاعاتی است که زمینه‌ساز تصمیم‌گیری راهبردی، پیشگیری از تهدیدات و ایجاد مزیت اطلاعاتی می‌شود.
- مطابق داده‌های مصاحبه‌ها، حکمرانی اطلاعاتی تحت تأثیر عوامل زیر شکل می‌گیرد:
- محیط پیچیده امنیتی: تحولات سریع سیاسی، اقتصادی و تهدیدات سایبری و امنیتی؛
 - نقش نهادهای نظامی و غیرنظامی: سازمان‌های اطلاعاتی و انتظامی با مأموریت‌های تخصصی در تعامل با یکدیگر؛
 - جریان داده‌ها و شبکه اطلاعاتی: هم‌افزایی و هماهنگی میان واحدها، دسترسی به منابع متعدد و تلفیق داده‌ها برای تصمیم‌گیری دقیق؛
 - راهبردها / اقدامات: با توجه به کدهای محوری حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، راهبردهای اصلی به شرح زیر است:
- ۱- اشراف اطلاعاتی:

- عملیات اطلاعاتی (پشتیبانی، تعقیب، مراقبت، کشف، دستگیری و خنثی‌سازی)
 - تولید محصولات اطلاعاتی (آگهی‌ها، برآوردهای اطلاعاتی، هشدارها، گزارش‌های ویژه، اطلس و آمایش امنیتی)
 - شناسایی نشانگاه‌های اطلاعاتی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، انتظامی، امنیتی و زیستی)
- ۲- آینده‌نگاری اطلاعاتی:
- سناریوپردازی (فرضیات، احتمالات، پیش‌بینی، امکانات و آمادگی)
 - روندیابی (شناسایی جهت، گرایش، پیشران و الگوهای تغییر)
 - دیده‌بانی محیطی (پویش، پایش، رصد، فرصت‌ها و تهدیدها و تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها)
- ۳- تسلط اطلاعاتی:
- اقتدار اطلاعاتی (پیش‌کنشگری، کاهش خطرپذیری، حرفه‌ای‌گری، اثربخشی و سرعت عمل)
 - هوشمندی اطلاعاتی (پیشتازی، منزلت‌آفرینی، همراه‌سازی و دانایی‌محوری)
 - مدیریت چرخه اطلاعاتی (جمع‌آوری، پردازش، تولید و انتشار اطلاعات و منابع انسانی و فناوری مرتبط)
- ۴- حکمرانی اطلاعاتی کلان: این حوزه شامل قاعده‌گذاری، سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی، طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی راهبردی (خط‌مشی، چشم‌انداز، راهبرد)، انسجام‌بخشی و هم‌افزایی میان نهادها، مسئول‌سازی و بسترسازی فرایندهاست. حکمرانی اطلاعاتی چارچوب کلان و بستر سازمان‌دهی فعالیت‌های اطلاعاتی را فراهم می‌کند و تضمین‌کننده انطباق این فعالیت‌ها با اهداف کلان امنیت ملی و منافع جامعه است.
- پیامدهای ناشی از اجرای راهبردهای فوق شامل:
- افزایش توان تصمیم‌گیری راهبردی و عملیاتی در سازمان‌ها
 - پیشگیری از غافلگیری و مدیریت بحران‌ها

- ایجاد مزیت اطلاعاتی و تسلط شناختی بر محیط امنیتی

- تقویت هماهنگی بین نهادها و پاسخگویی سازمانی

- ارتقای کیفیت محصولات اطلاعاتی و اثربخشی چرخه تصمیم‌سازی

بر اساس یافته‌های تحقیق، حکمرانی اطلاعاتی مفهومی فراگیر است که با مدیریت هوشمندانه و هماهنگ فعالیت‌های اطلاعاتی، فرایند تصمیم‌سازی راهبردی و عملیاتی را تقویت می‌کند. این مفهوم به ایجاد نظام یکپارچه اطلاعاتی منجر می‌شود که در آن، داده‌ها به دانش تبدیل می‌شود و در ادامه به قدرت، تسلط و برتری اطلاعاتی بر محیط پیچیده امنیتی کشور می‌انجامد. این فرایند، با تأکید بر تعامل میان نهادها، مسئولیت‌پذیری سازمانی، برنامه‌ریزی راهبردی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، پایه‌های محکم برای توسعه امنیت پایدار در کشور فراهم می‌آورد. یافته‌ها نشان می‌دهد که «حکمرانی اطلاعاتی» به‌مثابه فرایندی نظام‌مند و چندوجهی، زیربنای عملکرد مؤثر دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در عرصه‌های مختلف است. این فرایند با ایجاد چرخه‌های مستمر از «اشراف اطلاعاتی»، «آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری» و «تسلط اطلاعاتی»، تضمین می‌کند که سازمان‌ها بتوانند ضمن درک دقیق و به‌موقع از محیط پیرامونی، با چشم‌اندازی روشن به سمت اهداف امنیتی حرکت کنند و در عین حال، توان واکنش سریع و اثربخش در برابر تهدیدات احتمالی را داشته باشند. بر اساس یافته‌ها، صرفاً ترکیب کارآمد این مؤلفه‌ها و تقویت انسجام و هماهنگی میان بخش‌ها منجر به ایجاد مزیت اطلاعاتی و امنیتی پایدار خواهد شد. در این میان، نقش «حکمرانی اطلاعاتی» به‌مثابه عاملی کلیدی در تضمین پایداری، شفافیت، پاسخگویی و هدفمندی فعالیت‌های اطلاعاتی برجسته است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که «حکمرانی اطلاعاتی» نه صرفاً فرایندی فنی در مدیریت داده‌ها بلکه سازوکاری نهادی، شناختی و تصمیم‌ساز است که ماهیت آن در پیوند میان قدرت دانایی و اقتدار تصمیم‌نرفته است. در واقع، تحلیل داده‌ها آشکار ساخت که حکمرانی اطلاعاتی در بطن نظام امنیتی و انتظامی کشور کارکردی دوگانه دارد: از یک سو نقش تنظیم‌گر و انسجام‌بخش میان نهادها و چرخه‌های اطلاعاتی را ایفا

می‌کند و از سوی دیگر، بستری برای شکل‌دهی به تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه و آینده‌نگر در سطوح کلان سیاست‌گذاری امنیتی فراهم می‌آورد.

در بُعد مفهومی، حکمرانی اطلاعاتی را می‌توان نوعی «معماری شناختی قدرت» تلقی کرد که در آن داده، تحلیل و تصمیم به صورت نظام‌مند به یکدیگر پیوند می‌خورند. این نظام، نه بر انباشت داده بلکه، بر توانایی پردازش و بهره‌برداری راهبردی از اطلاعات استوار است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که در بستر تحولات پرشتاب امنیتی، فقط نظام‌هایی قادر به واکنش مؤثر هستند که از چرخه‌ای یکپارچه شامل «دیدهبانی اطلاعاتی»، «آینده‌نگاری راهبردی» و «تسلط اطلاعاتی» برخوردار باشند. چنین چرخه‌ای ماهیت حکمرانی اطلاعاتی را از سطح اجرا به سطح سیاست‌گذاری و هدایت کلان ارتقا می‌دهد.

از منظر کارکردی، حکمرانی اطلاعاتی زمانی معنا می‌یابد که میان اجزای پراکنده دستگاہ‌های اطلاعاتی انسجام نهادی برقرار شود. داده‌های پژوهش تأیید می‌کند که پراکندگی، تداخل مأموریت‌ها و ضعف در تبادل داده میان نهادها مهم‌ترین تهدیدها برای کارآمدی اطلاعاتی است. بنابراین، حکمرانی اطلاعاتی باید به مثابه سازوکاری برای هم‌افزایی و هماهنگی میان نهادهای نظامی و غیرنظامی عمل کند و از رهگذر ایجاد چارچوب‌های مشترک تصمیم‌سازی، زمینه تبدیل داده‌های خام به بینش‌های عملیاتی را فراهم آورد. به بیان دیگر، حکمرانی اطلاعاتی زمانی به بلوغ می‌رسد که بتواند مرزهای نهادی را در خدمت هدف مشترک - یعنی تسلط شناختی و امنیت پایدار - تعدیل و بازتعریف کند.

نکته شایان توجه در تحلیل داده‌ها تأکید مکرر خبرگان بر «مسئول‌سازی اطلاعاتی» و «پاسخ‌گویی سازمانی» بود. این مفاهیم بیانگر آن است که حکمرانی اطلاعاتی صرفاً در سطح ساختار تحقق نمی‌یابد؛ بلکه به سطح فرهنگ سازمانی و نظام ارزش‌ها نیز تسری دارد. پاسخ‌گویی در فرایند تولید و به‌کارگیری اطلاعات ضامن اعتماد نهادی و مشروعیت تصمیمات امنیتی است. از این‌رو، استقرار حکمرانی اطلاعاتی، در معنای واقعی، مستلزم نهادینه‌سازی اصول اخلاقی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری در تمام مراحل چرخه اطلاعاتی است.

همچنین یافته‌ها نشان داد که تسلط اطلاعاتی صرفاً از طریق اشراف فنی حاصل نمی‌شود؛ بلکه نتیجه ترکیب سه مؤلفه کلیدی است: اقتدار اطلاعاتی، هوشمندی راهبردی و مدیریت دانش. این سه مؤلفه در کنار هم به‌مثابه زیربنای قدرت نرم در عرصه امنیت ملی عمل می‌کند. اقتدار اطلاعاتی بدون هوشمندی تحلیلی به واکنش‌های صرفاً دفاعی منجر می‌شود؛ در حالی که هوشمندی، بدون اقتدار عملیاتی، از کارآمدی می‌افتد. از این رو، سیاست‌گذاران باید به ایجاد تعادل میان «ظرفیت شناختی» و «توان عملیاتی» توجه ویژه داشته باشند.

از منظر سیاست‌گذاری کلان، حکمرانی اطلاعاتی مستلزم بازتعریف نقش نهادهای اطلاعاتی در چهار سطح است:

۱) سطح راهبردی: طراحی معماری کلان داده و ترسیم روابط نهادی برای تصمیم‌سازی هوشمند

۲) سطح نهادی: تعیین مرزهای مأموریتی و سازوکارهای تبادل داده میان نهادها

۳) سطح فناورانه: توسعه سامانه‌های هوشمند پردازش و تحلیل داده‌های چندمنبعی

۴) سطح انسانی و فرهنگی: تربیت سرمایه انسانی مبتنی بر تفکر تحلیلی،

آینده‌نگری و مسئولیت‌پذیری اطلاعاتی

بر اساس استنتاج کلی از یافته‌ها، می‌توان گفت که «حکمرانی اطلاعاتی» - نه وضعیتی ایستا بلکه - فرایندی تکاملی است که از تعامل میان فناوری، سیاست و فرهنگ سازمانی زاده می‌شود.

پویایی این نظام زمانی تضمین می‌شود که سه اصل محوری در طراحی آن رعایت گردد: یکپارچگی داده‌ها، هوشمندی تصمیم‌سازی و پاسخ‌گویی نهادی. فقدان هر یک از این عناصر نظام حکمرانی را به مجموعه‌ای از فعالیت‌های جزیره‌ای و غیرمنسجم تبدیل خواهد کرد.

در نتیجه، پیشنهاد می‌شود که نهادهای اطلاعاتی کشور برای تحقق حکمرانی اطلاعاتی پایدار، اقدام به طراحی «چارچوب یکپارچه حکمرانی داده و تحلیل» کنند که در آن سازوکارهای تبادل، پالایش و به‌کارگیری اطلاعات در سطوح مختلف تعیین و نقش هر نهاد به‌صورت شفاف تبیین شود. همچنین، ایجاد نهاد میان‌سازمانی ویژه‌ای

برای «هماهنگی و ارزیابی عملکرد اطلاعاتی» می‌تواند از موازی‌کاری‌ها جلوگیری و تصمیم‌گیری کلان را تسریع کند.

در سطح راهبردی‌تر، حکمرانی اطلاعاتی باید با اصول آینده‌پژوهی تلفیق شود تا نظام اطلاعاتی کشور از رویکرد واکنشی به رویکرد پیش‌کنشگرانه تغییر مسیر دهد. این گذار مستلزم آن است که داده‌ها، نه فقط برای شناخت گذشته و حال بلکه، برای ساخت آینده به کار گرفته شود. در چنین چارچوبی، اطلاعات از ابزاری فنی به دارایی راهبردی تبدیل می‌شود که قدرت شناختی، تصمیم و اقدام را در هم می‌آمیزد.

سرانجام، می‌توان نتیجه گرفت که استقرار نظام حکمرانی اطلاعاتی مؤثر بنیان «امنیت هوشمند» در کشور است؛ امنیتی که نه صرفاً بر کنترل و واکنش بلکه - بر پیش‌بینی، تحلیل و مدیریت دانایی استوار است. حکمرانی اطلاعاتی موفق شبکه‌ای از دانایی جمعی را در میان نهادهای امنیتی و انتظامی شکل می‌دهد که در آن، قدرت تصمیم از تمرکز به توزیع هوشمند منتقل می‌شود و این امر پایداری و انعطاف نظام امنیتی را در برابر تهدیدات چندوجهی تضمین می‌کند.

این پژوهش به‌طور اختصاصی با محیط جمهوری اسلامی ایران تطبیق داده شده و با توجه به ساختارهای نهادی، فرهنگی و امنیتی کشور، بومی‌سازی شده است تا قابلیت اجرا و تناسب با شرایط بومی را دارا باشد. این یافته‌ها به‌طور آشکار در امتداد پژوهش‌های پورمنافی (۱۳۹۵)، عباسی و علیزاده (۱۴۰۳)، باوری و همکارانش (۱۴۰۱) و دانیلا (۲۰۱۶) قرار دارد که نقش حیاتی اشراف و تسلط اطلاعاتی در تصمیم‌سازی و مواجهه با بحران‌ها را برجسته می‌کردند. افزون بر آن، همان‌گونه که ایجابی و همکارانش (۱۳۹۸) و گوده (۲۰۱۹) آینده‌پژوهی را ابزاری کلیدی معرفی کرده‌اند، در این پژوهش آینده‌نگاری یکی از ستون‌های اصلی حکمرانی است؛ با این تفاوت که در مدل ارائه‌شده، آینده‌نگاری در چارچوب مدیریتی تعریف شده و با سیاست‌گذاری عملیاتی مرتبط شده است. یافته‌های قاضی‌زاده (۱۴۰۰) درباره‌ی خلأهای ساختاری حکمرانی اطلاعاتی در ایران نیز تأیید می‌شود؛ اما این پژوهش فراتر می‌رود و سازوکارهای تحقق و بازسازی ساختاری حکمرانی اطلاعاتی را ارائه می‌کند.

در حوزه حکمرانی اطلاعاتی، همان تأکید بر شفافیت، پاسخ‌گویی و ارزش‌گذاری راهبردی داده‌ها که کوپر^۱ و همکارانش (۲۰۱۱) و اسمولوود (۲۰۱۸) مطرح کرده بودند در این مدل تکرار شده است؛ اما این بار ضمن بومی‌سازی، بر کاربرد و هماهنگی نهادها تأکید می‌شود.

پیشنهادها

سطح راهبردی: سیاست‌گذاری و هدایت کلان

- تدوین نقشه جامع حکمرانی اطلاعاتی کشور با هدف ایجاد چارچوب واحد برای انسجام و هماهنگی میان نهادهای اطلاعاتی، نظامی و انتظامی توسط دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با همکاری وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه از طریق تشکیل کارگروه دائمی «هماهنگی و سیاست‌گذاری اطلاعاتی» برای تعریف مأموریت‌ها، استانداردهای تبادل داده و سازوکارهای ارزیابی عملکرد اطلاعاتی.

- استقرار نظام سنجش کارایی اطلاعاتی با هدف ارزیابی اثربخشی راهبردها، محصولات اطلاعاتی و سرعت واکنش نهادها توسط مرکز ارزیابی عملکرد ریاست جمهوری با نظارت شورای عالی امنیت ملی با طراحی شاخص‌های عملکردی در حوزه‌های اشراف، آینده‌نگاری، تسلط و هماهنگی اطلاعاتی و گزارش فصلی به مراجع عالی امنیتی.

سطح نهادی: انسجام و هم‌افزایی سازمانی

- ایجاد سامانه تبادل و هم‌افزایی اطلاعاتی میان‌نهادی با هدف رفع موازی‌کاری و تسریع در اشتراک داده‌های حیاتی میان نهادهای اطلاعاتی توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با مشارکت سازمان پدافند غیرعامل کشور با طراحی یک بستر امن تبادل داده با سطوح دسترسی تعریف‌شده برای نهادهای نظامی، انتظامی، قضایی و امنیتی.

- تشکیل مرکز یکپارچه تحلیل و هشدار اطلاعاتی با هدف جمع‌آوری داده‌های چندمنبعی و تولید هشدارهای زود هنگام برای تصمیم‌گیران توسط وزارت

اطلاعات (به‌مثابه محور) با همکاری سازمان اطلاعات سپاه و مرکز ملی فضای مجازی با ادغام سامانه‌های پایش، تحلیل تهدید و هشدار سریع در قالب یک مرکز مشترک ملی با ساختار چابک و شبکه‌ای.

سطح فناورانه: هوشمندسازی و تسلط اطلاعاتی

- ایجاد سامانه ملی آینده‌پژوهی اطلاعاتی با هدف پیش‌بینی روندهای امنیتی، سیاسی و سایبری کشور با استفاده از داده‌های کلان و تحلیل هوش مصنوعی توسط مرکز پژوهش‌های راهبردی ریاست جمهوری با مشارکت مرکز ملی فضای مجازی و وزارت اطلاعات با طراحی مدل‌های سناریونویسی هوشمند با بهره‌گیری از داده‌های چندمنبعی و تحلیل الگوریتمی روندها.
- استقرار پایگاه داده جامع اشراف اطلاعاتی در سطح ملی با هدف جمع‌داده‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیستی برای تصمیم‌سازی یکپارچه توسط سازمان برنامه‌بودجه کشور - به‌مثابه متولی زیرساخت داده‌های ملی - تحت نظارت شورای عالی امنیت ملی با ایجاد «درگاه مشترک داده‌های ملی» با دسترسی طبقه‌بندی‌شده و مدیریت چرخه حیات داده (جمع‌آوری، پالایش، تحلیل و انتشار).

سطح انسانی و فرهنگی: مسئول‌سازی و توانمندسازی اطلاعاتی

- طراحی برنامه ملی تربیت مدیران اطلاعاتی آینده‌نگر با هدف پرورش مدیران راهبردی با مهارت تحلیل داده، سناریونویسی و تصمیم‌سازی امنیتی توسط دانشگاه عالی دفاع ملی با همکاری مرکز آموزش عالی وزارت اطلاعات با تدوین سرفصل آموزشی «حکمرانی اطلاعاتی و آینده‌پژوهی امنیتی» و برگزاری دوره‌های میان‌سازمانی برای مدیران رده‌های میانی و عالی.
- استقرار نظام مسئول‌سازی اطلاعاتی در دستگاه‌های امنیتی با هدف افزایش پاسخ‌گویی و تعهد سازمانی در قبال دقت، صحت و امنیت اطلاعات توسط سازمان اداری و استخدامی کشور با نظارت شورای عالی امنیت ملی با تدوین آیین‌نامه «مسئولیت و پاسخ‌گویی اطلاعاتی» شامل الزامات رفتاری، حقوقی و انضباطی برای کارکنان در چرخه اطلاعاتی.

سطح نظارتی و ارزیابی:

- ایجاد کارگروه عالی ارزیابی عملکرد اطلاعاتی کشور با هدف پایش اجرای راهبردها، بررسی هماهنگی نهادی و ارائه بازخورد سیاستی توسط دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با عضویت نمایندگان ارشد نهادهای اطلاعاتی و امنیتی با تدوین گزارش‌های تحلیلی شش‌ماهه درباره میزان تحقق شاخص‌های حکمرانی اطلاعاتی و ارائه توصیه‌های اصلاحی به سطوح تصمیم‌گیر.

مجموع این پیشنهادها مسیر گذار از ساختار پراکنده اطلاعاتی به نظام یکپارچه و آینده‌نگر حکمرانی اطلاعاتی را ترسیم می‌کند. اجرای آن‌ها به شرط هماهنگی فرابخشی، ارتقای ظرفیت فناورانه و نهادینه‌سازی فرهنگ مسئول‌سازی، می‌تواند منجر به افزایش قدرت شناختی، کاهش غافلگیری و تقویت پایداری امنیت ملی کشور شود.

سپاسگزاری

این مقاله محصول پژوهشی میدانی است و تاکنون مورد حمایت مالی قرار نگرفته است. از استادان گرامی و کارشناسان محترم حوزه‌های اطلاعات و امنیت که با عنایت و مساعدت علمی خویش، دیدگاه‌ها و تجارب ارزشمند خود را در اختیار این پژوهش قرار دادند صمیمانه سپاسگزاریم. همچنین، از مدیران و متخصصانی که در فرایند مصاحبه و گردآوری داده‌های این پژوهش مشارکت نمودند قدردانی می‌کنیم.

فهرست منابع

- ایجابی، ابراهیم؛ درویش سه‌تلانی، فرهاد؛ مینایی، حسین؛ فضلی، صفر و کشاورز ترک، عین‌الله (۱۳۹۸). آینده‌نگاری راهبردی فناوری‌های دفاعی در حوزه پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۲۰. *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۴(۴۱): ۷-۳۴. <https://www.magiran.com/>
- پورمنافی، ابوالفضل (۱۴۰۴). *آینده‌نگاری راهبردی در سازمان‌های اطلاعاتی*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- پورمنافی، ابوالفضل (۱۴۰۳). *مدیریت اطلاعاتی افراد مشهور*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- پورمنافی، ابوالفضل (۱۳۹۵). رویکرد شبکه‌ای؛ راهکار اشراف اطلاعاتی ناجا. *پژوهش‌های راهبردی ناجا*، ۱(۱): ۳۳-۶۴.
- عالی، محمدباقر؛ غضنفری، مهدی؛ پورصادق، ناصر و پورعزت، علی‌اصغر (۱۴۰۳). تعریف حکمرانی (فرا ترکیب چیستی حکمرانی). *حکمرانی متعالی*، ۵(۱۸): ۶۳-۸۹.
- عباسی، محمد و عزیززاده، محمدجواد (۱۴۰۳). نظریه اشراف اطلاعاتی چشم بصیر. *جامعه اطلاعاتی*، ۴۲: ۳۴-۷۴.
- فرازمند، حسن و مهدی زاده، مهرداد (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰. *هفتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین*.
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۴۰۰). شکاف حکمرانی در نظام اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌ها راهبردی*، ۲۴(۴): ۱۵۵-۱۸۵. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۸۵۰۱۵۵>
- لوونتال، مارک (۱۳۹۶). *فرایند اطلاعات: از اسرار تا سیاست*. ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم. تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- میرمظاهری، مهدی (۱۴۰۳). کشف ویژگی‌ها و ابعاد حکمرانی پیش‌نگر. *حکمرانی متعالی*، ۵(۱۸): ۱۲۱-۱۳۹. https://journals.ut.ac.ir/article_ZZZZ.html
- یاوری بافقی، امیرحسین؛ اکبری، محمدعلی؛ داودی دهاقانی، ابراهیم و چولکی، غلامرضا (۱۴۰۱). تأثیر رویکرد پلیس اطلاعات‌محور در شناسایی و کشف قاچاق سلاح و مهمات. *دانش انتظامی*، ۲۴(۱): ۵۰۲-۵۱۲. <https://ensani.ir/fa/article/502954/>
- یاوری، امیرحسین؛ بختیاری، تقی و نگهبان، مصطفی (۱۳۹۹). نقش پیشگیرانه پلیس اطلاعات‌محور در جرم‌یابی مواد مخدر (مطالعه موردی استان البرز). *فصلنامه پژوهش‌ها پیشگیری از جرم*، ۱۵(۵۶): ۹۷-۱۱۶. <https://www.magiran.com/paper/2219808/>
- یگانگی، کامران و بیگلی، امین (۱۳۹۹). مدل مفهومی حکمرانی خوب. *پژوهش‌های علوم مدیریت*، ۵: ۷۵-۸۱.

- DCAF — Geneva Centre for Security Sector Governance. (2022). *Intelligence oversight: Ensuring accountable intelligence within a framework of democratic governance*.
https://www.dcaf.ch/sites/default/files/publications/documents/DCAF_BG_11_IntelligenceOversight_Nov2022.pdf
- Daniela-Elena, A. (2016). Information and hybrid warfare: Intelligence challenges, intelligent response. In *Countering hybrid threats: Lessons learned from Ukraine* (pp. 456–467). <https://doi.org/10.1016/j.infoman.2016.02.003>
- Deppe, C., & Schaal, G. S. (2024). Cognitive warfare: A conceptual analysis from the NATO ACT perspective. *Frontiers in Big Data*, 7, 1452129. <https://doi.org/10.3389/fdata.2024.1452129>
- Dong, J., Chen, Z., Wang, H., & Li, Y. (2025). A novel multimodal data fusion framework: Enhancing cyberattack prediction through integration of multiple data sources. *Data*, 3(9), 63. <https://doi.org/10.3390/data9030063>
- Dupont, B. (2021). *The new governance of policing*. Routledge.
- Godet, M., & Durance, P. (2019). *Strategic foresight for corporate and regional development*. Dunod.
- Goldman, Z. K., & Rascoff, S. J. (Eds.). (2016). *Global intelligence oversight: Governing security in the twenty-first century*. Oxford University Press.
- Goude, R. (2019). Strategic foresight and scenario planning: Managing complexity in organizations. *Futures*, 111, 85–97. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2019.04.005>
- Haarhaus, T., & Liening, A. (2020). Building dynamic capabilities to cope with environmental uncertainty: The role of strategic foresight. *Technological Forecasting and Social Change*, 155, 120033. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2020.120033>
- Hammond, T. H. (2020). Intelligence organizations and the organization of intelligence. *International Journal of Intelligence and Counterintelligence*, 23(4), 680–724. <https://doi.org/10.1080/08850601003780987>
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563–575. <https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.1975.tb01393.x>
- Leigh, I., & Wegge, N. (Eds.). (2019). *Intelligence oversight in the twenty-first century: Accountability in a changing world*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351188791>
- Lowenthal, M. M. (2020). *Intelligence: From secrets to policy* (8th ed.). CQ Press.
- Merlo, T. R. (2024). *Strategic information governance: Optimizing business operations, business intelligence, and data management*. <https://www.researchgate.net/publication/YYYYYY>
- Rădulescu, B.-G. (2023). How should intelligence analysis be utilized to counter cognitive warfare? *Intelligence Info*, 2(4), 12–25. <https://doi.org/10.58679/II18231>
- Reuel, A., & Undheim, T. A. (2024). Generative AI needs adaptive governance. *arXiv*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2406.04554>
- Saksena, B. G. M., & McNaught, K. R. (2023). Towards a better framework for estimative intelligence – addressing quality through a systematic approach to

uncertainty handling. *Intelligence and National Security*, 38(7), 1127–1150.
<https://doi.org/10.1080/02684527.2023.2216963>

Smallwood, R. F. (2018). *Information governance for healthcare professionals: A practical approach*. Taylor & Francis.

